



دوره آموزشی

خانواده و جنگ نرم

سازمان جهاد دانشگاهی استان یزد
معاونت آموزش و کارآفرینی



اهداف و راهبردهای دشمن فرهنگی در جنگ نرم علیه خانواده

اسلام تایمز: در صورت موفقیت فعالیت های فرهنگی علیه خانواده، راه برای راهبرد «نفوذ فرهنگی» در جامعه باز و پشتوانه اجتماعی جامعه متزلزل می شود. لذا باید با راهبرد «مصون سازی فرهنگی»، خانواده را به عنوان پشتوانه اجتماعی نظام، حفظ و تقویت کرد.

مقام معظم رهبری در ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاست های کلی «خانواده» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است، در ۱۶ بند به رؤسای قوای سه گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند. در بند ۵ این سیاست ها آمده است: «مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیب ها و چالش های تحکیم خانواده.» [۱]

در این نوشتار ضمن اشاره به اهمیت و جایگاه خانواده، اهداف و راهبردهای دشمن در جنگ نرم علیه خانواده و پیامدهای آن برشمرده و در نهایت راهکارهایی ارائه شده است.

اهمیت و جایگاه خانواده

مقام معظم رهبری درباره اهمیت و جایگاه خانواده می فرماید: «خانواده پایه و سلول اصلی در جامعه است...» [۲] «تحکیم خانواده، مورد تاکید اسلام و تمامی اسناد بالادستی نظام، خصوصاً اصل دهم قانون اساسی است. مسئله ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه ی یک است...» [۳] «جامعه ی اسلامی، بدون بهره مندی کشور از نهاد خانواده ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند...» [۴]

خانواده، جایگاه منحصر به فردی در فرآیند پنج گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی یا عدم تحقق آن دارد؛ به ویژه شأن «انسان سازی» خانواده که در اکثر مراحل این فرآیند، موجب تامین نیروی انسانی پیشبرنده اهداف انقلاب می شود. تاثیر این نهاد در پرورش نیروهای انقلابی و تحقق مرحله نخست این فرآیند «انقلاب اسلامی» و مرحله دوم «نظام سازی»، در حافظه تاریخی ملت ایران وجود دارد. اکنون که این فرآیند در مرحله دولت سازی قرار دارد و مهمترین کمبود فعلی برای تحقق این مرحله، نبود مسئولین شایسته و تربیت نیافته است که این مهم نیز به طور مستقیم و غیر مستقیم از خانواده متاثر است. [۵] لذا بدخواهان اسلام و انقلاب، با جنگ نرم علیه خانواده، در صدد ایجاد خلل در دستیابی نظام اسلامی به اهداف فرهنگی خود هستند.

در این بخش، به طور اجمالی به برخی از مهمترین نقش ها و تاثیرات خانواده اشاره می شود:

- تربیت، فرهنگ سازی و هویت بخشی به فرزندان (انسان سازی)
- مدیریت غرایز در خانواده (به خدمت گرفتن غرایز جنسی برای تحکیم خانواده)
- آماده سازی اهل خانواده برای نقش آفرینی در بیرون از خانه و ایفای نقش هر چه بهتر

تامین آرامش، مودت و رحمت میان اعضای خانواده
انتقال تجربیات و مفاهیم و جامعه پذیری اعضای خانواده
گسترش معنویت در جامعه از طریق سرایت معنویت خانواده به جامعه
پیشگیری و حل بحران های روحی و روانی و اختلالات این حوزه
فرزندآوری و تامین نیروی انسانی جامعه
حمایت و مراقبت از اعضای خانواده
تامین پایگاه و سرمایه اجتماعی برای اعضای خانواده
اعمال نظارت و کنترل های اخلاقی و اجتماعی

به عنوان مثال، اعجاز نقش آفرینی های ایثارگرانه خانواده های ایرانی در دفاع مقدس هشت ساله و انگیزه دهی به فرزندان خود برای ادای تکالیف شرعی تا مرز از جان گذشتگی، نمونه معاصر تاثیرگذاری بلا تردید این نهاد اجتماعی در جوامع اصیل تلقی می گردد و در این تحلیل، غرب تردیدی ندارد که خانواده، «سرمایه اجتماعی» نظام جمهوری اسلامی ایران و بزرگترین پشتوانه تقویتی انقلاب اسلامی و عامل اصلی ماندگاری و موفقیت نظام جمهوری اسلامی است. اگر نهاد خانواده نقش فعال و مؤثر در هویت افراد و جامعه داشته باشد، موجب تقویت هویت و شخصیت افراد شده و ذهن ها و قلب ها را نسبت به «نفوذ فرهنگی» و «تهاجم فرهنگی» ایمن می سازد.

اهداف و راهبردهای دشمن در جنگ نرم علیه خانواده

همان طور که پیش تر در سیاست های کلی خانواده ذکر شد، هدف اصلی و چشم انداز دشمن در جنگ نرم علیه خانواده «فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی» [۶] است. دشمنان فرهنگی تلاش دارند از طرق گوناگون، بنیان خانواده را متزلزل کنند؛ چرا که پرورش و تربیت دینی از خانواده شکل می گیرد. دین از طریق خانواده، آموخته و انتقال داده می شود و اساس تربیت دینی، خانواده است؛ لذا دشمن می خواهد مفهوم خانواده را ویران کند زیرا تضعیف عنصر خانواده در افراد و جامعه، سبب تضعیف رکن رکین هویت و شخصیت افراد و سرگرمی به امور کم اهمیت و مبتذل شده و این امر، نفوذ و رخنه فرهنگی و نهایتاً عملیات «تغییر» را میسر می سازد و این دقیقاً نقطه مقابل جایگاه مطلوب خانواده در جامعه اسلامی است.

در این بخش، به طور خلاصه، مهمترین اهداف و راهبردهای دشمن برای رسیدن به هدف «فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی» که حاصل بررسی عملکرد فرهنگی و رسانه ای آنهاست، بیان می شود و در ادامه به ماهواره به عنوان مهمترین ابزار برای این کار اشاره می گردد:

راهبردهای کلی و مشترک :

- تغییر خانواده «فعال» که نقش تربیتی و درونی سازی هنجارها را به خوبی ایفا نموده و والدین به طور اثرگذاری عمل می کنند، به خانواده «منفعل»

ترویج اباحه‌گری و بی‌معنی‌سازی مسائل حلال و حرام مرتبط با خانواده همچون ازدواج و دوستی‌های نامشروع

جهانی‌سازی سبک زندگی آمریکایی و ارزش‌های آن و تقبیح سنت‌های صحیح جامعه در خصوص خانواده از طرق گوناگون همچون معرفی مدل زندگی افراد مشهور مثل بازیگران و خواننده‌ها (سلبریتی‌ها) به عنوان الگوی برتر

گسترش فساد در جامعه، آزادی جنسی زن و مرد و جستجوی کردن نیاز غریزی در غیر خانواده، با هدف بی‌معنی‌شدن، تشریفاتی‌شدن و تحمیلی‌شدن ازدواج و نتیجتاً از بین بردن پشتوانه جنسی تحکیم خانواده

شبهه‌افکنی در مورد احکام و عقاید اسلام درباره خانواده، ازدواج، ازدواج موقت، طلاق و...؛ معرفی اسلام به عنوان عامل عقب‌ماندگی (مثلاً برنامه پرگار بی‌بی‌سی فارسی با موضوع «زن در ایران باستان»)»

«بهبود سازی» برای ایجاد اختلاف میان اعضای خانواده با گسترش سوءظن نسبت به رفتار یکدیگر، افزایش سطح توقعات از هم، و...

اولویت دادن به مسائل اقتصادی ظاهری و گسترش رفاه‌طلبی، چشم و هم‌چشمی و مصرف‌گرایی که لازمه آن صرف وقت بیش از حد به این مسائل است، و به تبع آن نداشتن وقت برای آرامش روانی و درک متقابل و ارتباط تنگاتنگ در خانواده

متعصب‌نشان دادن جریان‌های اخلاقی و تعریف اعتدال و آزاداندیشی در عدم تقید به شرعیات

با تمرکز بر مادران و زنان :

- تنزل جایگاه مادری، تقبیح کار در خانه و خانواده داری» برای زن به منظور بازداشتن آنها از انجام وظایف در خانه و خانواده از طریق سریال‌های خانوادگی و...
- سوق دادن مادران به تربیت فرزند بر اساس فرهنگ و سبک زندگی غربی و مبنی بر ارزش‌های آن، از طریق برنامه‌های مشاوره و...
- مطرح کردن بحث فمینیسم به بهانه حفظ حقوق زنان و تقویت جنبش‌های اپوزیسیون زنان در داخل و مدیریت مطالبات جنسیتی و ضد ارزشی زنان. گفتمان‌سازی در خصوص نقش محدود زنان در جامعه ایران و رقابت بی‌معنی میان زنان با مردان برای حضور در عرصه‌هایی از اجتماع که اساساً با فیزیک، روحیات و قابلیت‌های ذهنی زن همخوانی ندارد، (مانند برنامه «چرا که نه؟» در شبکه «من و تو» که در آن، یک زن کارهای مختلف مردانه را تجربه می‌کند و پیوسته نیز در حال القای تصویر لذت‌بخش از تجربیات خود است).
- سیاه‌نمایی علیه وضعیت زنان «خانه دار و خانواده دار» و ایجاد فشار به جمهوری اسلامی به واسطه مسئله حقوق بشر و صدور قطعنامه‌های مکرر

عادی‌سازی خیانت به همسر خصوصاً در سریال‌های خانوادگی

طرح مغرضانه مسائل حقوقی زنان و خانواده مانند حق طلاق، ولایت پدر بر دختر، چند همسری، حضانت و نگهداری کودکان و... (مثلاً در برنامه های گفتگو محوری مانند «من و تو پلاس» در شبکه «من و تو»)

شبهه افکنی و نامعقول جلوه دادن حجاب و تشویق به بی حجابی، تبرج و مدهای هدایت شدهی ضد حجاب؛

یا ترویج اعتقاد به «بی حجابی و عدم تقید به مسئله محرم و نامحرم در عین دین داری است!» (مثلاً برنامه «بفرمایید شما» که در عین ادعای پایبندی به اعتقادات دینی و مذهبی از ارتباط، دیده بوسی و عریانی در کنار مردان ابایی ندارند.) و یا ترویج «حجاب اروتیک» که چندی پیش برای اولین بار در یکی از مقالات سایت بی بی سی مطرح شد. استفاده از پوششی به نام ساپورت از نمونه های این مسئله است که برای اولین بار توسط شبکه «من و تو» و در برنامه آکادمی موسیقی گوگوش در نوروز سال ۹۱ تبلیغ شد و متأسفانه به سرعت در بخشی از جامعه ایران فراگیر شد.

تشویق به مصرف گرایی، داشتن درآمد مستقل، کار در بیرون از منزل به عنوان یک ارزش و به تبع آن کاهش ارتباطات عاطفی و نقش مادری و همسری زنان
برچسب زنی به زنان خانواده دوست به نام «عقب مانده»، «غیر امروزی»، «افسرده» و...
سوژه سازی و بعضاً بت سازی از زنان ناهنجار در قشر هنرمند یا فعال حقوق بشر
بی اهمیت جلوه دادن احترام و عدم اطاعت زن نسبت به شوهر
معرفی نظام آموزشی مدارس و مهدکودک به عنوان جایگزین شأن تربیتی خانواده و سپردن امر تربیت به خارج از خانواده که موجب از بین رفتن نقش «تربیت فرزندان» در خانواده می شود
ایجاد مشغله های غیر ضروری، دلمشغولی و اتلاف وقت از طریق سرگرمی افراد خانواده به تماشای افراطی برنامه های تلویزیونی به ویژه برای مادران و همسران

با تمرکز بر پدران و مردان

- ترویج تفکر اصالت لذت و بیشینه سازی لذت ببری و تضعیف خانواده به بهانه محدود نشدن لذت در خانه
عادی سازی دوستی و روابط با جنس مخالف حتی برای متاهلین و ترویج بی غیرتی از طریق سریال های خیانت محور و...
کم اهمیت جلوه دادن امور خانواده به بهانه کار و مشغله بیرون از خانه
ترویج افراط در آزادی همسر و فرزندان و بی تفاوتی نسبت به ایشان؛ و یا ایجاد سوء ظن و شک و گمان افراطی درباره ارتباطات همسر و فرزندان که موجب اختلاق و درگیری می شود
برچسب زنی به مردان خانواده دوست به نام «زن ذلیل»، «ترسو» و...
ترویج خوش گذرانی های مردانه خارج از خانواده همچون افراط در سفرهای مجردی برای مردان متاهل

با تمرکز بر فرزندان

- ایجاد مساله «تعارض نظام ارزش‌ها» با عرضه‌ی معیارها و هنجارهایی متفاوت از جامعه اسلامی و سردرگمی ناشی از این مسئله [۷]
ترویج خانواده‌گریزی و معرفی «بیرون از خانواده» به عنوان محل رسیدن به آرزو ها و خانواده به عنوان مانع آن
ایجاد بی رغبتی نسبت به ازدواج و ترویج «باهم بودن‌های غیرمسئولیت‌آور»، ترویج ازدواج‌های غیر رسمی و دوستی‌های خارج از چارچوب
معرفی، برجسته‌سازی و الگوسازی از برخی هنرمندان تازه کار که مطابق سبک زندگی غربی به خانواده نگاه می‌کنند؛ مثلاً در برنامه «کوک» و «آپارات» شبکه بی بی سی فارسی
تقبیح ازدواج زود هنگام و تشویق به تاخیر انداختن در ازدواج به بهانه‌های گوناگون - دشوارسازی ازدواج با ترویج تجملگرایی و آداب و رسوم بلا وجه و... - ترویج زندگی مجردی با محوریت آزادی و عدم محدودیت، لذت و تفریح؛ نمایش زندگی خانواده با محوریت عدم آزادی و قید و بند و عدم لذت
عادی نشان دادن روابط نزدیک دختر و پسر ظاهراً بدون دخالت افکار و مسائل جنسی و برجسب زنی به افراد مقید به حفظ حریم محرم و نامحرم، به عنوان افرادی که توان کنترل خود را ندارند
قیح زدایی از طلاق با ترویج بدعت‌هایی همچون جشن طلاق
توجیه و ترویج همجنس‌گرایی
قیح زدایی از بارداری نامشروع و عمل سقط جنین؛ عادی جلوه دادن سقط جنین برای دختران قبل از ازدواج به عنوان راه حلی طبیعی برای رفع دلهره‌های احتمالی در روابط جنسی دختر و پسر
بی اهمیت جلوه دادن احترام به والدین و ترویج بی احترامی و عدم اطاعت از والدین
عادی سازی هوس بازی، شراب خواری، رقص و پارتی
بی اعتنائی به حجاب و بی معنی کردن مفهوم محرم و نامحرم
تحریک حس کنجکاوی و ایجاد تمایلات غریزی برای ورود زود هنگام به مسائل جنسی - سوق دادن زودرس نوجوان به سوی زندگی بزرگسالی و ایجاد عقده‌های روانی و شکل‌گیری ناقص شخصیت نوجوان باشد. [۸]

رسانه‌های جمعی مهمترین ابزار دشمن در این جنگ نرم علیه خانواده هستند که در این میان شبکه‌های ماهواره‌ای و فیلم‌ها و سریال‌های نقش برجسته‌تری دارند. از میان حدود ۱۶۰ شبکه فارسی زبان، برخی از شبکه‌ها مانند بی‌بی‌سی فارسی، من‌وتو، جم و فارسی ۱ شهرت و تاثیرگذاری بیشتری دارند.

در گزارش سال ۲۰۱۵ کمیسیون دیپلماسی عمومی آمریکا (ACPD)، بودجه‌ای یک میلیارد و ۸۳۳ میلیون دلاری برای «دیپلماسی عمومی» یا به تعبیر صحیح «جنگ نرم» علیه ایران و دیگر کشورهای جهان در نظر گرفته شده و بخشی از آن برای تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی در ایران اختصاص یافته است که این

امر را با اتکا بر پخش رادیویی، تلویزیونی، ماهواره‌ای، وبسایت، وبلاگ و رسانه‌های اجتماعی انجام می‌دهد. در این گزارش در مورد دیپلماسی عمومی و برنامه‌های رسانه‌ای (پخش تلویزیونی و ماهواره‌ای) در سطح بین‌المللی، نحوه چگونگی اختصاص بودجه یک میلیارد و ۸۳۳ میلیون دلاری ارائه شده است و دیپلماسی عمومی شورای مدیران بنگاه سخن‌پراکنی آمریکا (Broadcasting Board of Governors) و وزارت خارجه شامل برنامه‌های تبادل امور فرهنگی و شورای آموزش به صورت جزء به جزء بیان شده است.

بخشی از این گزارش به ایران مربوط می‌شود؛ جایی که تمرکز آمریکایی‌ها بر روی تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی مردم ایران (جنگ نرم) استوار شده است. طبق گزارش «کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی آمریکا»، سه شبکه رادیویی-تلویزیونی این وظیفه مهم و استراتژیک را بر عهده دارند: بخش فارسی صدای آمریکا با بودجه مالی ۱۵ میلیون و ۱۳۳ هزار دلاری، «رادیو فردا» با بودجه مالی ۶ میلیون و ۹۶۷ هزار دلاری، بخش آذری زبان صدای آمریکا با بودجه سالانه ۶۴۶ هزار دلاری. [۹] همچنین شورای مدیران بنگاه سخن‌پراکنی آمریکا (BBG)، طی گزارشی، در بودجه پیشنهادی سال ۲۰۱۶، برای تلویزیون صدای آمریکا مبلغ 13.674 میلیون دلار و برای رادیو فردا ۷,۴۵۴ میلیون دلار را ارائه کرده است. در بخشی از این گزارش برنامه‌هایی به منظور افزایش مخاطبان ایرانی، برای صدای آمریکا در سال ۲۰۱۶ تعیین شده است، از جمله:

- مصاحبه با مقامات آمریکایی در مورد سبک زندگی

- تخصیص یک برنامه ۳۰ دقیقه‌ای هر هفته با تمرکز بر جامعه ایرانی-آمریکایی مثل لس‌آنجلس آمریکا و با هدف سرگرمی. - گزارش‌های اختصاصی برای نشان دادن جامعه آمریکا و نقش مذهب و گروه‌های مذهبی این کشور برای ارائه الگو و با هدف جلوگیری از افراط‌گرایی اسلامی در ایران

- مصاحبه و تهیه مستند از دانشجویان ایرانی که در دانشگاه‌های معتبر آمریکا تحصیل می‌کنند. [۱۰]

غیر از تأثیرات غیر مستقیم، نامحسوس و بطئی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای این چنینی، می‌توان به نتایج پژوهشی که از ابتدای سال ۹۲ تا پایان سال ۹۳ در گروه اجتماعی بنیاد امور خانواده پژوهشی درباره تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بر خانواده آغاز شده اشاره نمود. به گفته رئیس هیئت مدیره بنیاد صیانت از نهاد خانواده قوه قضاییه و مدیر گروه پژوهش بنیاد علوم رفتاری، این پژوهش که با جامعه آماری ۸ هزار و ۴۵۰ جوان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۸ سال انجام شد، نشان می‌دهد ۱۷ درصد طلاق‌ها تحت تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای صورت گرفته است. این رقم بر اساس یافته‌های تحقیق و دلایل اظهار شده توسط بعضی از زوجینی به دست آمده است که بیننده شبکه‌های ماهواره‌ای بوده‌اند. به نحوی که به دقت می‌توان تأثیر ماهواره‌ها را بر روابط زناشویی دریافت. وی افزود: «در ۹۵ درصد از سریال‌های ماهواره‌ای روابط فرازناشویی تبلیغ می‌شود و زنان شوهردار و مردان متاهل بدون هیچ‌گونه محدودیت به دنبال روابط نامتعارف هستند، و جایگاه خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه، پایین می‌آید و بی‌ارزش می‌شود». [۱۱]

متأسفانه، مخاطبین به دلیل ضعف فرهنگی دینی، اعتقادی و اخلاقی و سواد اندک رسانه‌ای با قرار گرفتن

دائم در معرض سریال هایی که مضمون اصلی آنها خیانت و روابط غیر اخلاقی و نامشروع است، به تدریج در خصوص این موضوعات و مضامین دچار تغییر نگرش شده و نوعی حساسیت زدایی در این زمینه صورت می گیرد و در دراز مدت به کمرنگ شدن اخلاق و ارزش های مذهبی، گسترش فساد و در نهادیت از هم پاشیدگی خانواده ها می انجامد. [۱۲]

طبق آخرین آمار سازمان ثبت احوال کشور هر ساعت ۱۹ طلاق در ایران ثبت می شود. شیب طلاق در ایران در نقاط شهری از اواخر دهه ۷۰ شدت گرفته با فاصله ای حدود ۶ ساله و از سال ۸۳ به بعد منحنی طلاق در روستاها هم رو به افزایش گذاشته است [۱۳] که این روند با روند شیوع استفاده از ماهواره در کشور همزمانی دارد.

جمع بندی

خانواده یکی از ارکان هویتی هر انسان است و در صورتی که افراد در خانواده های ضعیف به لحاظ هویتی رشد و نمو پیدا کنند، شخصیت ضعیف و قابل نفوذی پیدا می کنند. چنین افرادی به خاطر ضعف نفس و ضعف هویتی خود، گرایش بیشتری به مسائل مبتدل و سخیف داشته و کمتر به مسائل کلان و راهبردی سوق پیدا می کنند. لذا تضعیف خانواده و به تبع آن تضعیف هویت و شخصیت افراد و سرگرمی به امور مبتدل، موجب سست شدن سد فرهنگی ای به نام «خانواده» و به تبع آن «نفوذپذیری فرهنگی»، و نهایتاً در سطح اجتماعی کاهش پشتوانه مردمی نظام می گردد. به همین دلیل، دشمنان فرهنگی با چشم انداز قرار دادن «فروپاشی خانواده»، از راه تکنیک ها و تاکتیک های گوناگون - خصوصاً از طریق شبکه های ماهواره ای - در صدد تضعیف نهاد خانواده هستند تا سرمایه اجتماعی و پشتوانه مردمی نظام را تضعیف نمایند.

مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «آن کسانی که می خواهند در یک کشور یا جامعه ای «نفوذ» پیدا کنند، فرهنگ آن جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آنها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان، معمولاً «متزلزل کردن بنیان خانواده» است. کما اینکه در خیلی از کشورها این کار را متأسفانه انجام داده اند. مردها را بی مسئولیت و زنها را بد اخلاق کرده اند.» [۱۴]

راهکار کلی در مقابل جنگ نرم علیه خانواده، طبق بند ۵ سیاست های کلی خانواده، عبارت است از: "مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیب ها و چالش های تحکیم خانواده". این راهکار کلی که در عنوان «مصون سازی خانواده» قابل تعبیر است، ابعاد و طرق گوناگون دارد. در زیر به طور خلاصه و تیتروار به برخی از این موارد اشاره شده است:

• وضع و اجرای قوانین مربوط به خانواده با رویکردی جامع و سیستمی به این مقوله: اجرای کامل اسناد بالادستی و قوانین موجود، از قبیل سیاست های کلی خانواده، قانون تسهیل ازدواج جوانان مصوبه ۱۲ دی ۱۳۸۴، مصوبات بیست و نهمین جلسه شورای عالی جوانان (۲ مرداد ۱۳۸۶)، لایحه حمایت از خانواده، «سیاست های تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده» شورای فرهنگی اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب

فرهنگی

- ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی، از پوشش و لباس و خوراک تا مسائل کلان از طریق آموزش و پرورش و رسانه ها و ساخت برنامه های رسانه ای به صورت آفندی و پدافندی
- معرفی خانواده های موفق همچون خانواده نخبگان و شهدا، و الگوسازی از ایشان
- فرهنگ سازی ازدواج آسان و به موقع از طریق الگوسازی های رسانه ای در فیلم ها و سریال ها
- تبیین زیبایی «حیا» و رعایت این اصل در تصویرسازی های رسانه از وضعیت مطلوب روابط اجتماعی
- اختصاص تسهیلات ازدواج به زوج های جوان
- حرکت های خودجوش و مردمی در راستای ترویج و تسهیل ازدواج همچون " طرح تامین جهیزیه آینه شمعدون"
- ایجاد محیط های سالم زنانه، برای جلوگیری از اختلاط های غیر ضروری
- ایجاد و ترویج محیط هایی برای سرگرمی و نشاط خانوادگی
- اجرای قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (مصوبه ۱۳۷۳/۱۱/۲۶)
- افزایش «سواد رسانه ای» مردم، خصوصاً نوجوانان

خانواده، بزرگ ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می آید؛ به طوری که این نهاد می تواند منشاء تحولات عظیم فردی-اجتماعی و رشد ارزش های انسانی درمیان اعضای آن باشد. خانواده مهم ترین نهادی است که فرد در آن پرورش می یابد. بنابراین سرمایه گذاری و افزایش تسهیلات رفاهی، آموزشی، مشاوره ای، بهداشت و سلامت، و توجه هرچه بیش تر به خانواده در دستور کار دولت ها، نهادها و همه افراد نیک اندیش قرار گرفته است.

اهمیت و جایگاه خانواده

تدبیر الهی در آفرینش براین تعلق گرفته است که تنها شهوت، میان زن و مرد حاکم نباشد و عشق به خانواده متولد شود. سپس برای تربیت آدمی محفلی ایجاد گردد که هریک از آن دو، خود در آن به تکمیل شخصیت نایل آیند، و هم کانونی برای پرورش نسل آینده و جامعه گردند. از سویی شکل و ساختار خانواده ها، هم چنین طرز ارتباط هریک از اعضای خانواده با یکدیگر و جامعه ای که خانواده در آن به سر می برد، در تمام موارد یکسان نیست؛ بنابراین تأثیر خانواده ها در رفتار افراد جامعه و حتی فرزندان مختلف است.

گاهی والدین آگاهانه چیزهایی به کودک می آموزند؛ اما در موقعیت های متعدد دیگر، کودک، خود از روش کار و رفتار والدین چیزهایی را فرا می گیرد که خود آن ها متوجه نیستند. کودک در خانه تجارب فراوانی کسب می کند. از طریق این محیط کوچک است که با دنیای بیرون آشنا می گردد و با کودکان دیگر و بزرگ سالان که به مناسبتی به خانه رفت و آمد دارند، تماس حاصل می کند. بنابراین، کودک یاد می گیرد که کارها را با شور و هیجان انجام دهد. کودک علاوه براین که از مشاهده رفتار والدین، به تدریج آن ها را می شناسد، همین طور راه و رسم زندگی و مهارت های زیستی را نیز با تقلید از اعمال آن ها فرا می گیرد. مثلاً اگر پدرش همیشه با خشونت رفتار کند یا با مادرش دعوا و مشاجره داشته باشد، به نظر او، همه پدر و مادرها همین وضع را دارند. و او آن چه درباره پدر و مادر درک می کند، نسبت به دیگران تعمیم می دهد. محیطی که کودک در آن متولد می شود و رشد می یابد، مهم ترین نقش را در چگونگی رفتار دوران کودکی او دارد. از آن مهم تر، این محیط عمیق ترین تأثیر را در رفتار عمر جوانی او نیز خواهد گذاشت. [۱]

خانواده و آسیب های اجتماعی

بررسی ریشه های اجتماعی و روانی پدیده گروه های ضد فرهنگ و ضد ارزش نشان می دهد که ظهور گروه های رپ، راک، هاردراک، هوی متال و . . . که در ابتدا واکنشی اعتراض آمیز به فناوری پیشرفته و مدرنیسم غرب بود و تا حد توصیه به زندگی به شیوه قبایل ابتدایی و بی توجهی به سنت، اخلاق و بریدن تمام قید و بندهای زندگی اجتماعی پیش رفت، به این مفهوم است که انسان غربی باوجود همه شعارهای جذاب مکاتب سیاسی و اجتماعی عملاً به پوچی و نوعی تناقض حل نشده درونی رسیده است که زندگی را برایش ملال آور نموده است.

دنیای امروز، دنیای رنگ، نور و صداست و اهرم های جدی قدرت در دهکده جهانی در اختیار دنیای انفورماتیک است و تمدن های مسلط می دانند چگونه با استفاده از سیستم های قوی ارتباطی و شناخت مبانی نظری روان کاوی، بر جان و روح انسان ها مسلط شوند. فیلم ها و نرم افزارهای چندرسانه ای غرب از ابزار مهم هالیوود در تخریب فرهنگی جوامع و تغییر ارزش های بومی و فرهنگی ملت هاست.

در حال حاضر با وجودی که انسان از لحاظ علم، فناوری و صنعت به بالاترین رشد خود رسیده است، از نظر اخلاق روز به روز بیش تر سقوط می کند و آن گاه در آشفته بازار بحران معنا و هویت است که این گروه ها قدرت ابراز وجود پیدا می کنند و درصدد کشاندن جوانان معصوم به دام رفتارهای خلاف هنجار اجتماعی؛ خون آشامی؛ خشونت؛ اعتیاد و زوال تمام ارزش های اخلاقی و حتی انسانی می شوند. بنابراین در چنین شرایطی ناآشنایی با شیوه های مدرن و جذاب تبلیغی، همانا امکان پاسخ گویی و ارتباط با نسل جوان برای انتقال فرهنگ ارزشی به آن ها از ما سلب خواهد شد.

تأکیدات مقام معظم رهبری در خصوص جنبش نرم افزاری و استفاده مناسب از هنر متعهد می تواند راه کار مؤثری در مقابله با این تهدید خطرناک، و درمان آسیب های اجتماعی جنبه های پلید و شوم فناوری روز به ویژه اینترنت که در پی می آید، باشد.

آسیب های اجتماعی-خانوادگی اینترنت

۱- افسردگی و انزوا

کاربران، بیش تر ترجیح می دهند در محیطی آرام و خلوت، از اینترنت استفاده کنند تا هم بهتر بتوانند از اطلاعات آن بهره ببرند و هم با تمرکز و سرعت بیش تر، از اتصال های طولانی مدت جلوگیری کرده، هزینه های حاصل از آن را کاهش دهند. اما این نوع خلوت گزینی در طولانی مدت، برخی مشکلات روانی مانند گوشه گیری و در نهایت افسردگی را در پی دارد. کیسلر و همکارانش معتقدند: «بسیاری از روان شناسان این نگرانی را داشته اند که آسانی ارتباطهای اینترنتی، چه بسا افراد را وا می دارد تا آنان، زمان بیش تری را به تنهایی بگذرانند و به صورت آن لاین با غریبه ها صحبت کنند، هم چنین با برقراری ارتباط سطحی، این کارها را به قیمت از دست دادن گفت وگوهای رودررو و ارتباطهای فامیلی و دوستانه انجام دهند. بنابر برخی پژوهش های پیمایشی، ارتباطهای اجتماعی از طریق اینترنت، ضعیف تر از ارتباطهای واقعی است و در دراز مدت، به انزوای اجتماعی فرد می انجامد.» [۲]

۲- بازداری زدایی

گمنامی و نامرئی بودن کاربران، از دیگر ویژگی های روابط اینترنتی است که موجب پیدایش آسیب های جدی اخلاقی و روانی در افراد می شود. در فضای سایبر شخص می تواند هر نقابی را بر خود بپوشاند و بدین وسیله هر چه می خواهد، بگوید و هر کاری که می خواهد، انجام دهد؛ بدون این که ترس از شناسایی و رسوا شدن داشته باشد. این ویژگی موجب کاهش خویشتن داری و بازدارندگی کاربران در برابر اعمال ناهنجار

اخلاقی و ضد اجتماعی خواهد شد. هدف از اجرای بسیاری از مجازات‌ها در سطح جوامع، ایجاد حس بازدارندگی در میان افراد جامعه به ویژه مجرمان و افراد دارای حالت خطرناک است. این صفت روانی به سبب ظرفیت بالای ارتکاب جرم در فضای سایبر، کاهش پیدا کرده و موجب ارتکاب گسترده‌تری جرایم به ویژه جرایم سایبری و جرایم جنسی مجازی شده است. چنانچه این صفت در نهاد افراد جامعه کم رنگ شود، احساس بازدارندگی در افراد کاهش می‌یابد. و چه بسا در کثرت ارتکاب جرایم میان مردمی تأثیر به‌سزایی بگذارد.

۳- بحران هویت و اخلال در شکل‌گیری شخصیت

عناصر سه‌گانه هویت، یعنی: شخص، فرهنگ و جامعه، هر یک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کنند. هویت شخصی، ویژگی بی‌همتای فرد را تشکیل می‌دهد. هویت اجتماعی در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مختلف قرار گرفته و شکل‌گیری آن، متأثر از ایشان است. و در نهایت، هویت فرهنگی، برگرفته از باورهایی است که در عمق وجود فرد به واسطه تعامل او با محیط پیرامون و آموزه‌های آن، از بدو تولد تا کهن سالی جای گرفته است.

از آن‌جا که فضای سایبری، صحنه‌ای فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد، خود زمینه‌ای است برای آسیب‌پذیری شخصیت کاربر که در نتیجه، موجب چند شخصیتی شدن کاربر خواهد شد. در فضای سایبر بیش از آن که هویت ظاهری فرد مطرح گردد، درون‌مایه‌های افراد بروز می‌کند. هرکس درصدد بیان اندیشه‌ها و علاقه‌مندی‌های خویش است. و از این روست که ساختار و چینش پایگاه‌های شخصی weblog به گفته میلر (miler) نشان از شخصیت آن کاربر است. مطرح نشدن هویت شخصی و مشخصات فردی در اینترنت موجب تقویت شخصیت‌های چندگانه و رشد و استحکام آن می‌گردد.

جوانان در این محیط از آسیب‌پذیری بیش‌تری برخوردارند و به‌ویژه در دورانی که هویت آنان شکل می‌گیرد، این خطر پررنگ‌تر می‌شود. محمد عطاران معتقد است که با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی از جمله اینترنت در اختیار جوانان می‌گذارند، آنان همواره با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند. چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته‌متحولی را می‌آفریند؛ به‌ویژه برای نسلی که در مقایسه با نسل قبل با محرک‌های فراوانی مواجه است. هم‌چنین از طریق رسانه‌های جمعی، افراد، خط مفروض میان فضای عمومی و خصوصی را تجدید سازمان می‌کنند و این امکان است که جوانان فعالانه از آن بهره‌می‌برند. جوان، به‌خصوص در دوران بلوغ که مرحله شکل‌گیری هویت اوست و همواره به دنبال کشف ارزش‌ها و درونی کردن آن‌ها می‌باشد، با اینترنت و حجم گسترده، حیرت‌انگیز و گوناگون اطلاعات مواجه می‌شود و ناچار است که در این دنیای مجازی، هویت خویش را از طریق جست‌وجو پیدا کند و بدین‌سان، ممکن است برخی و شاید تعداد زیادی از نوجوانان راه را در اینترنت گم کنند و دوران هویت‌یابی خویش را بیش‌ازپیش با بحران سپری نمایند.

از سوی دیگر، گاهی برخی از ویژگی‌های شخصیتی مانند: سن، تحصیلات، محل سکونت و حتی جنسیت در اینترنت از بین می‌رود؛ به عنوان نمونه، بسیاری از افرادی که در اتاق‌های گپ زنی مشغول گفت‌وگو با یکدیگر می‌باشند، با مشخصات غیر واقعی ظاهر شده و از زبان شخصیتی دروغین که از خود ساخته‌اند و آن را به مخاطب یا مخاطبان خود معرفی کرده‌اند، صحبت می‌کنند و با این حال، همین شخصیت‌های ناشناس تأثیرات مختلفی بر یکدیگر دارند.

۴- اعتیاد مجازی

اعتیاد مجازی، استفاده‌ی بیش از حد از اینترنت است تا آن‌جا که بدون استفاده از آن فرد احساس کمبود می‌کند و روابط او با محیط متأثر از استفاده مکرر و دیوانه‌وار فرد شده، از حالت عادی خارج می‌شود.

نبود روابط پایدار و صمیمی با دیگران، نداشتن اعتماد به نفس و به طور کلی شکست در عرصه‌های گوناگون زندگی، زمینه را برای اعتیاد افراد به اینترنت فراهم می‌کند. نتایج پژوهش یانگ (۱۹۹۷ م)، در این زمینه نشان داد که یکی از دلایل مهم اعتیاد به اینترنت در افرادی که روابط عمومی کم‌تری دارند، به دست آوردن حمایت‌های اجتماعی است؛ زیرا حمایت‌های اجتماعی با اعمالی چون ورود به اتاق گپ زنی در میان اعضا در فضای سایبر زودتر به وجود می‌آید.

این اختلال روانی در کشورهایی که استفاده از اینترنت آسان و ارزان است، بسیار چالش‌زا بوده است، تا آن‌جا که نهادهای مختلف را درگیر کرده است. در کشوری مثل آمریکا تعداد معتادان به اینترنت از سایر معتادان بیش‌تر است؛ تا جایی که برخی معتادان ۱۸ ساعت از وقت روزانه خود را در اینترنت صرف می‌کنند. این در آمریکا به قدری فاجعه‌بار است که کلیساها و پیشوایان مذهبی با فریادهای کمک‌خواهی زن و شوهر، یا یکی از آن‌ها، برای رهایی از این نوع اعتیاد مواجه هستند. مؤسسه‌های مشاوره‌ای مسیحی در حال تدوین مشاوره‌های اعتیاد به اینترنت می‌باشند.

پیامدهای اعتیاد به اینترنت و حتی کار زیاد با اینترنت که در حد اعتیاد نباشد، نتایج و پیامدهای زیان‌بخشی برای فرد و جامعه در پی داشته و آسیب‌های شدید جسمانی، مالی، خانوادگی، اجتماعی و روانی را به همراه دارد.

افزون برکناره‌گیری اجتماعی، یکی دیگر از پیامدهای اعتیاد اینترنتی، مشکلات خانوادگی و تأثیر آن بر روی روابط زناشویی، والدین و فرزندان است. امروزه اصطلاح «بیوه اینترنتی» به همسر معتاد به اینترنت، اطلاق می‌شود. آمار نشان می‌دهد که اعتیاد به اینترنت ممکن است به فروپاشی خانواده و طلاق منجر شود. شاید باور کردن این که شخصی همسر خود را فقط به علت ارتباط با فرد دیگر در اینترنت ترک می‌کند، برای کسانی که به اینترنت اعتیاد پیدا نکرده‌اند، وحشتناک به نظر برسد؛ ولی این مسئله هر روز در دنیای اینترنت اتفاق می‌افتد. یانگ معتقد است که اگرچه زمان تنها عامل تعیین‌کننده در تعریف اعتیاد به اینترنت نیست، ولی عموماً معتادان بین ۴۰ تا ۸۰ درصد از وقت خود را با جلساتی که ممکن است هر کدام

حتی تا ۲۰ ساعت طول بکشد، صرف می کنند و این کار باعث می شود اختلالاتی در میزان و زمان خواب کاربر به وجود آید.

در موارد شدید حتی قرص های کافئین برای تسهیل زمان طولانی «در اینترنت بودن» مصرف می شود. این اختلال، خستگی بیش از اندازه در بدن را ایجاد می کند که کارکرد درسی و شغلی را تحت تأثیر قرار می دهد و ممکن است نظام ایمنی بدن را ضعیف کند و فرد نسبت به بیماری ها آسیب پذیری بیش تری پیدا کند. افزون بر این، به علت عدم ورزش و حرکات مناسب، مشکلات عصب های مچ و درد پشت، چشم درد و مانند آن به وجود می آید. در مواردی اعتیاد به اینترنت موجب از دست دادن شغل نیز شده است.^[۳]

۵- انحرافات اخلاقی و جنسی

از جمله آثار مخرب فضای سایبر، به وجود آمدن انحرافات و اختلالات جنسی است. اینترنت به دلیل رویکرد آزاداندیشی در روابط جنسی از سوی گردانندگان اصلی آن (غرب و به ویژه آمریکا)^[۴] و نگرش تجاری نسبت به مسائل جنسی، موجب پدید آمدن پدیده شومی که به نام هرزه گاری pornography و هنر پلید شهوانی و رواج سرسام آور آن گردیده است. این پدیده، مرزهای اخلاقی را درهم می شکند و تهدیدی برای فرهنگ ها به ویژه فرهنگ های دینی همچون فرهنگ اسلامی است.

اصولا هرزه نگاری به عنوان نمایش تصویری و یا کلامی رفتارهای جنسی است که با هدف ارضای خواسته های جنسی دیگران تعریف می شود. این گونه مطالب و تصاویر که در پی تحریک جنسی دیگران عرضه می گردد، معمولا به ارضای غیر طبیعی جنسی مراجعه کنندگان آن می انجامد. نکته دیگر این که رجوع به اینترنت برای دسترسی به مطالب مستهجن صرفا به افراد نابهنجار خلاصه نمی شود و حجم قابل توجهی از مراجعان را افراد طبیعی تشکیل می دهد. در این عرصه بیش ترین خطر متوجه کودکان و نوجوانان است. لاسر پس از پژوهشی که در این باره انجام داد، با اشاره به پیامدهای منفی هرزه نگاری بر بهداشت روانی می گوید: «این امکان وجود دارد که [کودک و یا نوجوان] به واسطه دیدن مطالب و تصاویرهای مستهجن، رفتارهای جنسی از خود بروز دهند. در مورد بزرگ سالان نیز هرزه نگاری اینترنتی می تواند به بروز رفتارهای جنسی نامعقول و یا گاهی اعتیاد جنسی بینجامد.» اصولا اینترنت به جوی دامن زده است که در سایه ویژگی های خاص خود به تدریج به شکل گیری ناهنجاری های جنسی در کاربران خود می انجامد.

در صورت موفقیت فعالیت‌های فرهنگی علیه خانواده، راه برای راهبرد "نفوذ فرهنگی" در جامعه باز و پشتوانه اجتماعی جامعه متزلزل می‌شود. لذا باید با راهبرد "مصون سازی فرهنگی"، خانواده را به عنوان پشتوانه اجتماعی نظام، حفظ و تقویت کرد.

مقام معظم رهبری در ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی "خانواده" را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است، در ۱۶ بند به رؤسای قوای سه‌گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند. در بند ۵ این سیاستها آمده است: "مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیبها و چالشهای تحکیم خانواده."

اهمیت و جایگاه خانواده:

مقام معظم رهبری درباره اهمیت و جایگاه خانواده می‌فرمایند: "خانواده پایه و سلول اصلی در جامعه است..." "تحکیم خانواده، مورد تاکید اسلام و تمامی اسناد بالادستی نظام، خصوصاً اصل دهم قانون اساسی است. مسئله‌ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه یک است..." "جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ای سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند..."

نقش‌ها و تاثیرات خانواده:

۱. تربیت، فرهنگ‌سازی و هویت‌بخشی به فرزندان (انسان‌سازی): تربیت فرزندان در خانواده به عنوان جایگاه منحصر به فردی در فرآیند انسان‌سازی دارد.
۲. مدیریت غرایز در خانواده (خدمت‌گرفتن غرایز جنسی برای تحکیم خانواده): مدیریت درست غرایز در خانواده می‌تواند به تحکیم ارتباطات خانوادگی کمک کند.
۳. آماده‌سازی اهل خانواده برای نقش‌آفرینی در بیرون از خانه و ایفای نقش هر چه بهتر: آماده‌سازی افراد برای نقش‌آفرینی در جوامع بیرون از خانه از مسئولیت‌های خانواده است.
۴. تامین آرامش، مودت و رحمت میان اعضای خانواده: تامین آرامش و مودت در خانواده می‌تواند به ارتقاء ارتباطات و افزایش تقویت خانوادگی کمک کند.
۵. انتقال تجربیات و مفاهیم و جامعه‌پذیری اعضای خانواده: خانواده نقش مهمی در انتقال تجربیات و مفاهیم به نسل‌های جوان و جامعه‌پذیری اعضای خانواده دارد.
۶. گسترش معنویت در جامعه از طریق سرایت معنویت خانواده به جامعه: معنویت خانواده می‌تواند به گسترش معنویت در جامعه کمک کند.

۷. پیشگیری و حل بحران‌های روحی و روانی و اختلالات این حوزه: خانواده به عنوان یک نهاد مهم در پیشگیری و حل بحران‌های روحی و روانی نقش دارد.
۸. فرزندآوری و تامین نیروی انسانی جامعه: نقش خانواده در فرزندآوری و تربیت نیروی انسانی جامعه بسیار حائز اهمیت است.
۹. حمایت و مراقبت از اعضای خانواده: حمایت اعضای خانواده از یکدیگر می‌تواند به تقویت ارتباطات خانوادگی کمک کند.
۱۰. تامین پایگاه و سرمایه اجتماعی برای اعضای خانواده: خانواده می‌تواند به عنوان یک پایگاه و سرمایه اجتماعی برای افراد خود و جامعه به عنوان یک کل کمک کند.
۱۱. اعمال نظارت و کنترل های اخلاقی و اجتماعی: نظارت و کنترل اخلاقی و اجتماعی در خانواده می‌تواند به تربیت اخلاقی افراد کمک کرده و از تحریفات فرهنگی دشمن جلوگیری کند.

به عنوان مثال، اعجاز نقش آفرینی‌های اینارگرانه خانواده‌های ایرانی در دفاع مقدس هشت ساله و انگیزه دهی به فرزندان خود برای ادای تکالیف شرعی تا مرز از جان گذشتگی، نمونه معاصر تاثیرگذاری بالتر از هر چیز در این نهاد اجتماعی تلقی می‌شود. در این تحلیل، غرب هیچ تردیدی ندارد که خانواده "سرمایه اجتماعی" نظام جمهوری اسلامی ایران و بزرگترین پشتوانه تقویتی انقلاب اسلامی و عامل اصلی ماندگاری و موفقیت نظام جمهوری اسلامی است. اگر نهاد خانواده نقش فعال و مؤثر در هویت افراد و جامعه داشته باشد، موجب تقویت هویت و شخصیت افراد می‌شود و ذهن‌ها و قلب‌ها را نسبت به "نفوذ فرهنگی" و "تهاجم فرهنگی" ایمن می‌سازد.

اهداف و راهبردهای دشمن در جنگ نرم

همان‌طور که پیشتر در سیاست‌های کلی خانواده ذکر شد، هدف اصلی و چشم‌انداز دشمن در جنگ نرم علیه خانواده "فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی" است. دشمنان فرهنگی تلاش دارند از طرق مختلف، بنیان خانواده را متزلزل کنند؛ چرا که پرورش و تربیت دینی از خانواده شکل می‌گیرد. دین از طریق خانواده، آموخته و انتقال داده می‌شود و اساس تربیت دینی، خانواده است؛ لذا دشمن می‌خواهد مفهوم خانواده را ویران کند زیرا تضعیف عنصر خانواده در افراد و جامعه، سبب تضعیف رکن رکن هویت و شخصیت افراد و سرگرمی به امور کم اهمیت و مبتذل شده و این امر، نفوذ و رخنه فرهنگی و نهایتاً عملیات "تغییر" را میسر می‌سازد و این دقیقاً نقطه مقابل جایگاه مطلوب خانواده در جامعه اسلامی است.

در این بخش، به طور خلاصه، مهم‌ترین اهداف و راهبردهای دشمن برای رسیدن به هدف "فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی" که حاصل بررسی عملکرد فرهنگی و رسانه‌ای آن‌هاست، بیان می‌شود و در ادامه به ماهواره به عنوان مهم‌ترین ابزار برای این کار اشاره می‌گردد.

راهبردهای کلی و مشترک:

۱. تغییر خانواده "فعال" که نقش تربیتی و درونی‌سازی هنجارها را به خوبی ایفا نموده و والدین به طور اثرگذاری عمل می‌کنند، به خانواده "منفعل".
۲. ترویج اباحه‌گری و بی‌معنی ساختن مسائل حلال و حرام مرتبط با خانواده همچون ازدواج و دوستی‌های نامشروع.
۳. جهانی‌سازی سبک زندگی آمریکایی و ارزش‌های آن و تقبیح سنت‌های صحیح جامعه از طرق مختلف همچون معرفی مدل زندگی افراد مشهور به عنوان الگوی برتر.
۴. گسترش فساد در جامعه، آزادی جنسی زن و مرد و جستجوی کردن نیاز غریزی در غیر از خانواده با هدف بی‌معنی شدن، تشریفاتی شدن و تحمیلی شدن ازدواج و نتیجتاً از بین بردن پشتوانه جنسی تحکیم خانواده.
۵. شبهه‌افکنی در مورد احکام و عقاید اسلام درباره خانواده، ازدواج، ازدواج موقت، طلاق و...؛ معرفی اسلام به عنوان عامل عقب‌ماندگی.
۶. "بهانه‌سازی" برای ایجاد اختلاف میان اعضای خانواده با گسترش سوءظن نسبت به رفتار یکدیگر، افزایش سطح توقعات از هم و...
۷. اولویت دادن به مسائل اقتصادی ظاهری و گسترش رفاه‌طلبی، چشم و هم‌چشمی و مصرف‌گرایی که الزمه آن صرف وقت بیش از حد به این مسائل است و به تبع آن نداشتن وقت برای آرامش روانی و درک متقابل و ارتباط تنگاتنگ در خانواده.
۸. متعصب نشان دادن جریان‌های اخلاقی و تعریف اعتدال و آزاداندیشی در عدم تقید به شرعیات.

با تمرکز بر مادران و زنان:

۱. تنزل جایگاه مادری، تقبیح کار در خانه و خانواده داری به منظور بازداشتن آنها از انجام وظایف در خانه و خانواده از طریق سریال‌های خانوادگی و...
۲. سوق دادن مادران به تربیت فرزند بر اساس فرهنگ و سبک زندگی غربی و مبنی بر ارزش‌های آن، از طریق برنامه‌های مشاوره و...
۳. مطرح کردن بحث فمینیسم به بهانه حفظ حقوق زنان و تقویت جنبش‌های اپوزسیون زنان در داخل و مدیریت مطالبات جنسیتی و ضد ارزشی زنان. گفتمان‌سازی در خصوص نقش محدود زنان در جامعه ایران و رقابت بی‌معنی میان زنان با مردان برای حضور در عرصه‌هایی از اجتماع که اساساً با فیزیک، روحیات و قابلیت‌های ذهنی زن همخوانی ندارد، مانند برنامه "چرا که نه؟" در شبکه "من و تو" که در آن، یک زن کارهای مختلف مردانه را تجربه می‌کند و پیوسته نیز در حال القای تصویر لذت‌بخش از تجربیات خود است.

۴. سیاه‌نمایی علیه وضعیت زنان "خانه‌دار و خانواده‌دار" و ایجاد فشار به جمهوری اسلامی به واسطه مسئله حقوق بشر و صدور قطعنامه‌های مکرر.
۵. عادی‌سازی خیانت به همسر، خصوصاً در سریال‌های خانوادگی.
۶. طرح مغرضانه مسائل حقوقی زنان و خانواده مانند حق طلاق، ولایت پدر بر دختر، چند همسری، حضانت و نگهداری کودکان و... مثلاً در برنامه‌های گفتگو محور "مانند من و تو پالس" در شبکه "من و تو".
۷. شبهه‌افکنی و نامعقول جلوه‌دادن حجاب و تشویق به بی‌حجابی، تبرج و مدهای هدایت‌شده‌ی ضد حجاب؛ یا ترویج اعتقاد به "بی‌حجابی و عدم تقید به مسئله محرم و نامحرم در عین دینداری است!" مثلاً برنامه "بفرمایید شما" که در عین ادعای پایبندی به اعتقادات دینی از ارتباط، دیده‌بوسی و عریانی در کنار مردان ابایی ندارند یا ترویج "حجاب اروتیک" که چندی پیش برای اولین بار در یکی از مقالات سایت بیبسی مطرح شد. استفاده از پوششی به نام ساپورت از نمونه‌های این مسئله است که برای اولین بار توسط شبکه "من و تو" و در برنامه آکادمی موسیقی گوگوش در نوروز سال ۹۱ تبلیغ شد و متأسفانه به سرعت در بخشی از جامعه ایران فراگیر شد.
۸. تشویق به مصرف‌گرایی، داشتن درآمد مستقل، کار در بیرون از منزل به عنوان یک ارزش و به تبع آن کاهش ارتباطات عاطفی و نقش مادری و همسری زنان.
۹. برچسب‌زنی به زنان خانواده‌دوست به نام "عقب‌مانده"، "غیر امروزی"، "افسرده" و...
۱۰. سوژه‌سازی و بعضاً بت‌سازی از زنان ناهنجار در قشر هنرمند یا فعال حقوق بشر.
۱۱. بی‌اهمیت جلوه‌دادن احترام و عدم اطاعت زن نسبت به شوهر.
۱۲. معرفی نظام آموزشی مدارس و مهدکودک به عنوان جایگزین شأن تربیتی خانواده و سپردن امر تربیت به خارج از خانواده که موجب از بین رفتن نقش "تربیت فرزندان" در خانواده می‌شود.
۱۳. ایجاد مشغله‌های غیرضروری، دل‌مشغولی و اتلاف وقت از طریق سرگرمی افراد خانواده به تماشای افراطی برنامه‌های تلویزیونی به ویژه برای مادران و همسران.

با تمرکز بر پدران و مردان:

۱. ترویج تفکر اصالت لذت و بیشینه سازی لذت‌بری و تضعیف خانواده به بهانه محدود نشدن لذت در خانه.
۲. عادی سازی دوستی و روابط با جنس مخالف حتی برای متاهلین و ترویج بی‌غیرتی از طریق سریال‌های خیانت محور و...
۳. کم اهمیت جلوه دادن امور خانواده به بهانه کار و مشغله بیرون از خانه.
۴. ترویج افراط در آزادی همسر و فرزندان و بی تفاوتی نسبت به ایشان؛ و یا ایجاد سوء ظن و شک و گمان افراطی درباره ارتباطات همسر و فرزندان که موجب اختلال و درگیری می‌شود.
۵. برچسب زنی به مردان خانواده دوست به نام «زن ذلیل»، «ترسو» و...

۶. ترویج خوش گذرانی های مردانه خارج از خانواده همچون افراط در سفرهای مجردی برای مردان متاهل.

با تمرکز بر فرزندان:

۱. ایجاد مساله «تعارض نظام ارزشها» با عرضه معیارها و هنجارهایی متفاوت از جامعه اسلامی و سردرگمی ناشی از این مسئله.
۲. ترویج خانواده گریزی و معرفی «بیرون از خانواده» به عنوان محل رسیدن به آرزوها و خانواده به عنوان مانع آن.
۳. ایجاد بی رغبتی نسبت به ازدواج و ترویج «باهم بودنهای غیرمسئولیت‌آور»، ترویج ازدواج های غیر رسمی و دوستی های خارج از چارچوب.
۴. معرفی، برجسته سازی و الگوسازی از برخی هنرمندان تازه کار که مطابق سبک زندگی غربی به خانواده نگاه می کنند؛ مثلاً در برنامه «کوک» و «آپارات» شبکه بی بی سی فارسی.
۵. تقبیح ازدواج زود هنگام و تشویق به تاخیر انداختن در ازدواج به بهانه های گوناگون - دشوارسازی ازدواج با ترویج تجملگرایی و آداب و رسوم بال وجه و... - ترویج زندگی مجردی با محوریت آزادی و عدم محدودیت، لذت و تفریح؛ نمایش زندگی خانواده با محوریت عدم آزادی و قید و بند و عدم لذت.
۶. عادی نشان دادن روابط نزدیک دختر و پسر ظاهراً بدون دخالت افکار و مسائل جنسی و برچسب زنی به افراد مقید به حفظ حریم محرم و نامحرم، به عنوان افرادی که توان کنترل خود را ندارند.
۷. قبح زدایی از طلاق با ترویج بدعت هایی همچون جشن طلاق.
۸. توجیه و ترویج همجنس گرایی.
۹. قبح زدایی از بارداری نامشروع و عمل سقط جنین؛ عادی جلوه دادن سقط جنین برای دختران قبل از ازدواج به عنوان راه حلی طبیعی برای رفع دلهره های احتمالی در روابط جنسی دختر و پسر.
۱۰. بی اهمیت جلوه دادن احترام به والدین و ترویج بی احترامی و عدم اطاعت از والدین.
۱۱. عادی سازی هوس بازی، شراب خواری، رقص و پارتی.
۱۲. بی اعتنائی به حجاب و بی معنی کردن مفهوم محرم و نامحرم.
۱۳. تحریک حس کنجکاوی و ایجاد تمایلات غریزی برای ورود زود هنگام به مسائل جنسی - سوق دادن زودرس نوجوان به سوی زندگی بزرگسالی و ایجاد عقده های روانی و شکل گیری ناقص شخصیت نوجوان باشد.

نکات اصلی:

۱. تأثیر رسانه‌های جمعی، به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای و فیلم‌ها و سریال‌ها، به عنوان ابزار اصلی در جنگ نرم علیه خانواده برجسته شده است.
۲. اشاره به برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان مانند بی‌بی‌سی فارسی، منوتو، جم، و فارسی ۱ که شهرت و تأثیرگذاری بیشتری دارند.
۳. ارائه آمار و اطلاعات مالی مرتبط با برنامه‌های دیپلماسی عمومی (جنگ نرم) آمریکا در مقابل ایران، که شامل برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی، و وبسایت‌ها می‌شود.
۴. برنامه‌های خاص برای افزایش مخاطبان ایرانی، از جمله مصاحبه با مقامات امریکایی، برنامه‌های سرگرمی با تمرکز بر جوانان ایرانی-آمریکایی، و گزارش‌های اختصاصی در خصوص جوامع آمریکا.
۵. اشاره به تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بر روابط زناشویی و افزایش طلاق در ایران، با استناد به نتایج پژوهشی در گروه اجتماعی بنیاد امور خانواده.
۶. نگرش مخاطبان به روابط غیر اخلاقی و نامشروع در سریال‌ها، که باعث تغییر نگرش آنان به ارزش‌ها و اخلاقیات می‌شود.
۷. اشاره به تأثیر منفی شیوع مصرف ماهواره در جوامع روستایی و افزایش طلاق در این مناطق.
۸. ارائه آمار طالق در ایران و اشاره به افزایش آن در ارتباط با شیوع استفاده از ماهواره.
۹. نکته اختتامیه در مورد افزایش فساد و درهم پاشیدگی خانواده‌ها در نتیجه تأثیر رسانه‌های جمعی بر زندگی اجتماعی.

سوالات متداول:

۱. اهداف اصلی دشمن در جنگ نرم علیه خانواده چیستند؟
 - اهداف اصلی دشمن در جنگ نرم علیه خانواده شامل تضعیف ارتباطات خانوادگی، نقض ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، و ایجاد تباهی در ساختارهای خانوادگی است.
۲. چگونه دشمنان تلاش می‌کنند تا ارتباطات و ارزش‌های خانوادگی را تضعیف کنند؟
 - از طریق شبکه‌های رسانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها، و برنامه‌های تلویزیونی با ترویج مضامین غیر اخلاقی و ناصحیح سعی در تخریب ارتباطات خانوادگی دارند.
۳. آیا دشمنان از چه راهبردها و تاکتیک‌هایی در شبکه‌های رسانه‌ای برای تضعیف خانواده استفاده می‌کنند؟
 - بله، از تاکتیک‌هایی مانند ترویج مضامین غیر اخلاقی، ایجاد تصاویر ناصحیح از خانواده، و انتقال ارزش‌های متفاوت به جامعه اسلامی استفاده می‌کنند.

۴. چگونه دشمنان سعی می‌کنند از طریق فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی تصاویر ناصحیح از خانواده ارائه دهند؟

○ با نشان دادن تصاویر اشتباهی از زندگی خانوادگی و ترویج مضامین تخریب‌آمیز، دشمنان سعی در تحت تاثیر قرار دادن ارزش‌ها و ارتباطات خانوادگی دارند.

۵. آیا دشمنان از شبکه‌های ماهواره‌ای برای انتقال پیام‌های تضعیف‌کننده به خانواده استفاده می‌کنند؟

○ بله، از شبکه‌های ماهواره‌ای برای پخش برنامه‌ها و محتواهای تضعیف‌کننده استفاده می‌کنند.

۶. چطور دشمنان سعی می‌کنند ارتباطات خانوادگی را به وسیله فضای مجازی تحت تاثیر قرار دهند؟

○ با انتشار محتواهای تضعیف‌کننده و ایجاد تباهی در مفاهیم اصیل خانوادگی از طریق فضای مجازی.

۷. آیا دشمنان از اختلال در ارتباطات زناشویی و ترویج رفتارهای غیر اخلاقی در برنامه‌های رسانه‌ای استفاده می‌کنند؟

○ بله، از اختلال در ارتباطات زناشویی و ترویج رفتارهای غیر اخلاقی به منظور تخریب ارتباطات زناشویی استفاده می‌کنند.

۸. چگونه می‌توان از جانبی مقابله با این تلاش‌های دشمنان در حوزه جنگ نرم علیه خانواده کرد؟

○ مقابله با این تلاش‌ها نیازمند اقدامات فرهنگی فعال، ترویج ارزش‌های اسلامی، ارتقاء سواد رسانه‌ای و ترویج مدل‌های خانوادگی سالم است.

۹. چه اقداماتی برای تقویت و حفظ ارزش‌ها و ارتباطات خانوادگی می‌توان انجام داد؟

○ اجرای قوانین مؤثر، ترویج سبک زندگی اسلامی، ایجاد الگوهای موفق خانوادگی، ترویج ازدواج به موقع و آسان، توسعه فضاهای سالم خانوادگی، و افزایش سواد رسانه‌ای از جمله اقدامات مؤثر هستند.

۱۰. چطور می‌توان مصون‌سازی خانواده را از دیدگاه نظام اسلامی ترویج داد و تدابیر مؤثری اندیشید؟

○ با ترویج اصول اسلامی در زندگی خانوادگی، ایجاد برنامه‌های آموزشی و توعیه‌ای با تاکید بر ارزش‌ها و تعالیم اسلامی، و حمایت از تدابیر حقوقی و فرهنگی مصون‌سازی خانواده.

نتیجه‌گیری:

از این توضیحات به نظر می‌آید که مصون‌سازی خانواده در برابر جنگ نرم، یک فرایند گسترده و چند جانبه است. با اجرای قوانین مربوط به خانواده، ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی، معرفی الگوهای موفق،

فرهنگ‌سازی از ادبیات و زیبایی‌های اسلامی، ایجاد محیط‌های سالم، و حتی ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، می‌توان به مرور زمان فضای محافل فرهنگی را به نفع سلامت خانواده تقویت کرد. این اقدامات همگی به سمت تحکیم خانواده و جلوگیری از نفوذ فرهنگی دشمنان هستند. حمایت از افراد جوان برای ازدواج و ایجاد طرح‌های تامین جهیزیه نیز نشان از توجه به زندگی خانوادگی دارد.

این راهکارها، اگر با مشارکت مردم و اجرای مستمر همراه شوند، می‌توانند پشتوانه‌ای قوی برای جلوگیری از تضعیف خانواده و افزایش نفوذپذیری فرهنگی نظام فراهم کنند. افزایش سواد رسانه‌ای، به ویژه در نسل جوان، نیز می‌تواند از تأثیرات منفی رسانه‌ها در خانواده جلوگیری کند و فرهنگی مستدام و متوازن را ترویج دهد. امیدوارم که با این راهکارها، مقاومت خانواده در برابر تهدیدات فرهنگی افزایش یابد و ارتقاء فرهنگ خانواده به عنوان ستون اصلی اجتماعی محقق گردد.